



چرا آمریکا راهبرد شکست خورده خود علیه کوبا را تکرار می کند؟

تهدید تازه وزیر خارجه آمریکا علیه کوبا، پرسشی قدیمی را پیش روی واشنگتن گذاشته است؛ چرا سیاستی که بیش از 6 دهه تحریم، فشار و تنش آفریده، همچنان در دستور کار آمریکا قرار دارد؟

تهدید تازه وزیر خارجه آمریکا علیه کوبا، پرسشی قدیمی را پیش روی واشنگتن گذاشته است؛ چرا سیاستی که بیش از 6 دهه تحریم، فشار و تنش آفریده، همچنان در دستور کار آمریکا قرار دارد؟

خبرگزاری مهر، گروه بین الملل: در نیمکره غربی، کمتر پرونده ای به اندازه کوبا بازتاب دهنده تداوم سیاست فشار، محاصره و مداخله آمریکا در سرنوشت یک کشور مستقل بوده است؛ سیاستی که با وجود بیش از ۶ دهه تحریم و تقابل، نه به تغییر سیاسی موردنظر واشنگتن انجامیده و نه توانسته شکاف میان دو کشور را کاهش دهد.

اکنون تهدید تازه مارکو روبریو وزیر امور خارجه آمریکا علیه هاوانا و تأکید او بر ضرورت تغییر وضع موجود در کوبا، نشان می دهد واشنگتن بار دیگر به همان منطق قدیمی اجبار بازگشته است؛ منطقی که فشار اقتصادی را جایگزین دیپلماسی و تعیین تکلیف از بیرون را مقدم بر حق ملت کوبا برای انتخاب مسیر سیاسی خود می داند.

از نگاه ناظران، تکرار این رویکرد، بیش از آنکه نشانه یک راهبرد تازه باشد، بیانگر ناتوانی واشنگتن در رهایی از سیاستی است که پیامدهای انسانی، منطقه ای و ژئوپلیتیکی آن بارها آشکار شده است.

مداخلات تاریخی و تکرار راهبرد شکست خورده تغییر حکومت

مناقشه واشنگتن و هاوانا تنها به انقلاب ۱۹۵۹ بازمی گردد. آمریکا از ابتدای استقلال کوبا، این کشور را بخشی از حوزه نفوذ خود می دانست. «متمم پلات» نیز به واشنگتن امکان مداخله در امور داخلی کوبا را می داد؛ رویکردی که حاکمیت این کشور را محدود و این تصور را تثبیت کرد که جهت گیری سیاسی هاوانا باید با منافع آمریکا هماهنگ باشد.

پس از انقلاب، ابزارها تغییر کرد اما منطق مداخله باقی ماند. فشار بر پالایشگاه ها، قطع سهمیه شکر، تحریم اقتصادی، عملیات خلیج خوک ها و برنامه های خرابکارانه، همگی با هدف تضعیف یا تغییر حکومت کوبا دنبال شدند. با این حال، این اقدامات نتیجه ای معکوس داشتند؛ حکومت انقلابی تثبیت شد، فضای داخلی امنیتی تر شد و هاوانا بیش از گذشته به اتحاد شوروی نزدیک شد.

حتی شش دهه تحریم نیز نتوانسته است ساختار سیاسی موردنظر واشنگتن را در کوبا ایجاد کند. در مقابل، فشار خارجی به دولت کوبا امکان داده مشکلات داخلی را در چارچوب تهدید آمریکا توضیح دهد و مقاومت در برابر واشنگتن را به بخشی از مشروعیت سیاسی خود تبدیل کند.

با این همه، آمریکا همچنان این سیاست را تکرار می کند؛ زیرا پرونده کوبا فقط تابع محاسبات سیاست خارجی نیست. نفوذ جریان های تندرو در فلوریدا، ملاحظات انتخاباتی و میراث تاریخی سلطه بر آمریکای لاتین، هزینه عقب نشینی از تحریم را برای دولت های آمریکا افزایش داده است. در چنین فضایی، هر شکست نه نشانه ناکارآمدی سیاست، بلکه نتیجه کافی نبودن فشار معرفی می شود و نسخه پیشنهادی، بار دیگر تحریم و تهدید بیشتر است.

تحریم اقتصادی؛ فشار بر حکومت یا انتقال هزینه به جامعه؟

قرار گرفتن شرکت دولتی «اتحادیه نفت کوبا» (CUPET)، در فهرست تحریم های آمریکا صرفاً محدود کردن یک نهاد حکومتی نیست. این شرکت در واردات، پالایش، ذخیره سازی و توزیع سوخت نقشی محوری دارد؛ بنابراین اخلاف در فعالیت آن مستقیماً بر تولید برق، حمل و نقل، بیمارستان ها، کشاورزی و نگهداری مواد غذایی اثر می گذارد. خاموشی های گسترده اخیر نیز نشان داده است که در کشوری گرفتار کمبود سوخت و فرسودگی شبکه برق، فشار بر بخش انرژی به سرعت به بحران اجتماعی تبدیل می شود.

تناقض سیاست واشنگتن زمانی آشکارتر می شود که آمریکا هم زمان مدعی حمایت از بخش خصوصی کوبا است. شرکت های

آمریکایی در ماه های نخست سال برای تأمین سوخت کسب و کارهای خصوصی کوبایی اقدام کردند اما انتقال و ذخیره همان سوخت ناگزیر به زیرساخت های تحت مدیریت CUPET وابسته بود.

تحریم این شرکت عملاً مسیری را مسدود کرد که قرار بود بخش خصوصی را از کمبود انرژی نجات دهد؛ یعنی سیاستی که با عنوان حمایت از کارآفرینان معرفی شد، همان کارآفرینان را از ابزار فعالیت محروم کرد.

دامنه این فشار نیز به مرزهای آمریکا محدود نمی ماند. قرار گرفتن یک شرکت در فهرست تحریم های وزارت خزانه داری، بانک ها، شرکت های بیمه، کشتیرانی و تأمین کنندگان خارجی را در معرض قطع دسترسی به بازار و نظام مالی آمریکا قرار می دهد.

در نتیجه، بسیاری از بازیگران غیرآمریکایی نیز از معامله با کوبا صرف نظر می کنند. از این منظر، واشنگتن نه تنها بر هاوانا فشار وارد می کند، بلکه عملاً تصمیم اقتصادی کشورهای ثالث را نیز تحت تأثیر قوانین داخلی خود قرار می دهد؛ مسئله ای که بارها با مخالفت گسترده در مجمع عمومی سازمان ملل روبه رو شده است.

این فشار درست زمانی تشدید شده که کوبا مجموعه ای کم سابقه از اصلاحات اقتصادی از جمله اجازه فعالیت بانک های خصوصی، تجارت خارجی مستقیم و مشارکت بیشتر سرمایه گذاران غیردولتی را تصویب کرده است اما چنین اصلاحاتی بدون دسترسی به بانک، سرمایه، بیمه و انرژی امکان اثرگذاری واقعی ندارند. به این ترتیب، تحریم ها به جای تقویت فضای اصلاح، هزینه آن را افزایش می دهند و این پیام را منتقل می کنند که حتی گشایش اقتصادی نیز تا زمانی که به تغییر سیاسی مطلوب واشنگتن منجر نشود، کافی نخواهد بود.

پیامدهای منطقه ای و ژئوپلیتیکی؛ فشار بر کوبا و تضعیف نفوذ آمریکا

از منظر راهبردی، کوبا برای واشنگتن تنها یک همسایه کوچک در دریای کارائیب نیست؛ این کشور به آزمونی نمادین برای میزان نفوذ آمریکا در نیمکره غربی تبدیل شده است. به همین دلیل، استقلال سیاسی هاوانا و استمرار حکومتی ناسازگار با خواست واشنگتن، در محاسبات آمریکا نوعی به چالش کشیدن نظم منطقه ای تلقی می شود. تهدیدهای اخیر درباره احتمال مداخله نیز این پیام را به دیگر دولت های آمریکای لاتین منتقل می کند که اختلاف سیاسی با واشنگتن ممکن است با فشار اقتصادی، انزوا یا حتی تهدید نظامی پاسخ داده شود.

با این حال، چنین نمایشی از قدرت لزوماً به افزایش نفوذ آمریکا منجر نمی شود. فشار بر کوبا، حساسیت تاریخی کشورهای منطقه نسبت به مداخله خارجی و منطق «حوزه نفوذ» را زنده می کند و به دولت های مستقل تر انگیزه می دهد روابط خود را متنوع کنند.

مخالفت گسترده در مجمع عمومی سازمان ملل با محاصره کوبا نیز نشان می دهد واشنگتن در دفاع از این سیاست، بیش از هاوانا با انزوای دیپلماتیک روبه روست. کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل نیز محاصره سوختی را تهدیدی برای حقوق اساسی مردم کوبا دانسته اند؛ انتقادی که مشروعیت ادعای حمایت آمریکا از مردم این کشور را تضعیف می کند.

برخی کارشناسان معتقدند که پیامد مهم تر، فراهم شدن فضای بیشتر برای چین است. پکن در برابر آنچه مداخله خارجی خوانده، آشکارا از حاکمیت کوبا حمایت کرده و هم زمان به یکی از منابع اصلی فناوری و سرمایه در بخش انرژی این کشور تبدیل شده است. کمک چین به توسعه بیش از هزار مگاوات ظرفیت خورشیدی، امکان کاهش نسبی وابستگی هاوانا به واردات سوخت را فراهم می کند. در نتیجه، سیاستی که با هدف منزوی کردن کوبا و کاهش نفوذ رقبای آمریکا طراحی شده، عملاً پکن را به شریکی ضروری تر برای این کشور بدل می سازد.

از این رو، مسئله اصلی دیگر فقط آینده حکومت کوبا نیست بلکه هزینه ای است که واشنگتن برای حفظ اعتبار سلطه منطقه ای خود می پردازد. ادامه فشار شاید در سیاست داخلی آمریکا سود انتخاباتی داشته باشد و تصویری از قاطعیت ایجاد کند اما در سطح راهبردی، اعتماد کشورهای آمریکای لاتین را کاهش می دهد، نفوذ چین را گسترش می دهد و بحران کوبا را از یک اختلاف دوجانبه به میدان رقابت قدرت های بزرگ تبدیل می کند.

آمریکا این راهبرد را تکرار می کند زیرا عقب نشینی از آن را پذیرش محدودیت نفوذ خود می داند اما تناقض نهایی همین جاست؛ اصرار بر نمایش قدرت در کوبا، به تدریج همان قدرت و نفوذی را فرسوده می کند که واشنگتن در پی حفظ آن است.